



ضمیمه خبرنامه شماره ۳۸

جریکهای فدائی خلق ایران - مازندران

تاریخ ۱۳۵۹/۸/۸

سال دوم

گزارشی از

کارخانه چیت‌سازی بهشهر

پیش بسوی تشکیل هسته‌های مسلح کارگری!

بهاء ۵ ریال

خواسته‌های کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر، خواسته‌های تازه‌ای نیست. کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر در آبان ماه سال ۱۳۵۷ هم‌چون دیگر کارگران میهنمان بپا خاستند و برای احقاق ابتدائی‌ترین حقوق خود دست مبارزه زدند. خواسته‌های کارگران عبارت بود از: ۱ - پاداش - بازنشستگی ۱۵ روزه ۲ - اجرای طرح طبقه‌بندی ۳ - کارگرانی که ۳۰ سال حق بیمه داده‌اند حق بازنشستگی داشته باشند.

کارگران برای دست‌یابی به این خواسته‌ها دست به اعتصاب زدند و پس از چند روز اعتصاب، مسئولین کارخانه ناگزیر شدند که با کارگران به مذاکره بنشینند.

مذاکرات بین مسئولین کارخانه، رئیس اداره کار، فرماندار ونما - یندگان منتخب کارگران چندین جلسه ادامه یافت و چون مذاکرات به نتیجه - ای نرسید کارگران همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند. پس از آن کارگران نمایندگان خود را همراه با اعضای سندیکای کارگری کارخانه چیت‌سازی به ساری فرستاده و با استانداری به مذاکره نشستند و از آنجائی که جنبش اوج گرفته و حکومت ناگزیر به قبول مقداری از حقوق ابتدائی مردم بود، استانداری وقت با خواسته کارگران به این شرح موافقت نمود:

۱ - نواقص طرح طبقه‌بندی مرتفع شود ۲ - پاداش بازنشستگی پرداخت شود ۳ - به کارگرانی که ۳۰ سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند حق بازنشستگی پرداخت شود

جریان قیام اجرای توافق را عملاً "مسکوت‌گذار دو کارگران چیت‌سازی نیز کوشیدند تا به مبارزه خود بیشتر جنبه سیاسی داده و به همین دلیل خواسته -

اتحاد - اتحاد کارگران - ان اتحاد

های اقتصادی خود را آگاهانه بعنوان امری فرعی تلقی کردند . پس از قیام کارگران چیت سازی بگمان آنکه حکومت جمهوری اسلامی حکومتی مردمی است نه تنها حقوق ابتدائی مطرح شده از طرف کارگران را برسمیت خواهد شناخت بلکه اساساً "استثمار را از میان خواهد برد ، نیازی به پیگیری خواسته های خود ندیده و با پشتکار تمام مشغول بکار شدند . کارگر - ان گمان میکردند که نیازی به طرح مجدد خواسته هایشان وجود ندارد چرا که طبیعتاً حکومت مدعی حمایت از مستضعفین به خواسته های آنها خواهد بود . اما پس از آنکه چند ماهی از بر روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی گذشت و دولت جدید حتی در برابر خواسته های کارگران در دوره حکومت محمد رضا شاه خائن مطرح کرده بودند سکوت اختیار کرد ، و کوچکترین قدمی در جهت بهبود وضع کارگران برنداشت ، کارگران در یافتند که آنهمه وعده و وعید حکومت جز فریب و نیرنگ چیزی بیش نبوده است و برای گرفتن حقوق حقه خویش با ید مبارزه کرد و حق را گرفت . به همین خاطر کارگران ۲۲ نماینده را از میان خود انتخاب کرده و آنها را برای گرفتن خواسته های خود به تهران فرستادند .

در تهران نمایندگان منتخب کارگران کارخانه چیت سازی با هیئت مدیره کارخانه نساجی ، نماینده شورای انقلاب ، نماینده وزارت کار و نما ینده کمیته های مذاکراتی بعمل آوردند و با لایحه حکومت پذیرفت که خواسته های قبلی کارگران را برآورده کند . به همین منظور از طرف اداره طبقه بندی مشاغل کارشناسانی به کارخانه چیت سازی به شهر اعزام و طرح طبقه بندی پیاده شد . طبق این طرح حقوق طبقه بندی روی کارت کارگری کارگران نوشته شد و مبلغ دو هزار تومان بابت طبقه بندی به هر یک از کارگران پرداخت گردید .

اما حکومت که در جریان این حرکت همبستگی و اتحاد کارگران را به عینه دید شروع به توطئه چینی نمود و بعنوان اولین اقدام کوشید تا شورائی فرمایشی در کارخانه بوجود آورد و با همکاری احمد توکلی - که بخاطر همین خوشخدمتی ها بعداً " وکیل مجلس شورای اسلامی شد و سپس از سوی رجائی به عنوان وزیر کار معرفی گردید - شورای فرمایشی بوجود آمد . گردانندگان

کارخانه با همکاری توکلی کارگران را به مسجد مهدیه به شهرکشانند و در آنجا شورای فرمایشی با گفتن سه تکبیر خواسته های کارگران را "غیرقانونی" و طرح طبقه بندی را "توطئه آمریکا" خواند، شورای فرمایشی مدعی شد که از سال ۵۹ طرح طبقه بندی را بصورت "اسلامی" آن پیاده خواهد کرد و طی بخشنا - مه ای اعلام کرد که ۱۵ روز پاداش بازنشستگی را پرداخت خواهد کرد. اما نه ۱۵ روز پاداش را پرداخت کرد و نه "طرح طبقه بندی اسلامی" خود را پیاده کرد.

هنگامیکه کارگران بازنشسته مشاهده کردند که کارخانه حاضر به پرداخت حقوق حقه آنها نیست در تاریخ ۱۹/۷/۵۹ در جلوی کارخانه اجتماع کرده و خواهان پاداش بازنشستگی خود شدند. مدیرعامل کارخانه به میان کارگران بازنشسته رفت و بار دیگر کارگران خواسته خود را با او در میان گذاشتند اما مدیرعامل در مقابل خواست کارگران پاسخ داد که: "مملکت در حال جنگ است چه پولی به شما بدهم؟"

کارگران بازنشسته که با مشاهده این وضع با اطمینان به اینکه جناب مدیرعامل قصد دارد به خواسته آنها توجهی کند و در این میان جنگ را فرصت خوبی برای سردواندن کارگران یافته است به فرمانداری شکایت کرده و فرماندار نیز دستور مذاکره مجدد با مدیرعامل را صادر نمود. در جلسه ای که بدستور فرماندار تشکیل شده بود مدیرعامل کارخانه، نماینده سپاه پاسداران (که معلوم نیست در این میان چکاره است)، نماینده دادستان انقلاب و نماینده فرماندار شرکت داشتند. در ضمن قرار بود امام جمعه شهر نیز به این جلسه بیاید که نیامد. از سوی کارگران نیز اشخاصی در جلسه شرکت کردند که توانائی لازم را نداشته و نتایج مطلوبی برای کارگران بدست نیامد.

کارگران بازنشسته ناگزیر مجدداً در تاریخ ۲۰/۷/۵۹ جلوی کارخانه اجتماع کردند. جناب مدیرعامل اینبار نیز برای متفرق کردن کارگران به جلوی کارخانه آمد. یکی از کارگران به مدیرعامل گفت: "ما حق چهل ساله خود را هر طور که شده از شما میگیریم" و مدیرعامل نیز مرتباً کارگران را تهدید میکرد که: "اگر متفرق نشوید مجبور میشوم به سپاه پاسداران اطلاع دهم تا برای متفرق کردن شما به اینجا بیایند" و پس از این تهدیدات محل را ترک کرد. کارگران پس از چند دقیقه مشورت ما بین خود متفرق شدند.

فردای آنروزی یعنی در تاریخ ۵۹/۷/۲۱ کارگران با زنشسته مجدداً در محوطه کارخانه تجمع کرده و با زمدیرعامل پیش آنان رفت و شروع به سخنرانی کرد و گفت: "کارگران عزیزها نظوری که شماها میدانید من قانون گذار نیستم، بلکه مجری قانونم. ولی از آنجا شیکه به شما کارگران عزیز علاقه مندم (این سخنان همان مدیرعاملی است که روز قبل کارگران را از لوی سپاه پاسداران میترساند) سه نفر از نمایندگان شما را (منظور جناب مدیرعامل از سه نفر نمایندگان کارگران سه نفر از یادی خودا هستند که در آن س شورا فرمایشی کارخانه قرار دارند) به تهران میفرستم تا پاداش با زنشستگی ۱۵ روز در سال شما را درست"

هنوز جمله مدیرعامل تمام نشده بود که با اعتراض شدید کارگران مواجه شد. کارگران میگفتند که "اینها نمایندگان واقعی ما کارگران نیستند و ما آنها را قبول نداریم". صدای اعتراض کارگران محوطه کارخانه را بلرزه درآورد. در این موقع چند نفر از پاسداران که همیشه در کارخانه حضور دارند برای انجام وظیفه خود را وارد قضیه کردند. آنها کارگران را تهدید میکردند و دستور میدادند که "شلوغ نکنید".

در این موقع یکی از کارگران از میان کارگران برخاست و به پشت میکروفن رفت و گفت: "هیچ پاسداری حق مداخله در امور کارخانه را ندارد و نمایندگان فرمایشی نیز اجازه توهین به کارگران را ندارند. ما خود پاسداران انقلاب هستیم".

بعد از این کارگر، کارگرد دیگری پشت تریبون رفت و گفت: "وفازاده نماینده انتخابی ما بود ولی خودش را به کارفرما فروخت و بجای آنکه از کارگران که او را بعنوان نماینده انتخاب کرده اند دفاع نماید حق هیچگونه گران را پایمال کرد. بنا بر این وفازاده از این تاریخ حق هیچگونه مسئولیت حقوقی بعنوان نماینده کارگران را نداشته و باید که ما نند گذشته بسرکار قبلی خود بازگردد". پس از این سخنان، اکثر کارگران گفتند: "ما قبلاً" نماینده انتخاب کرده بودیم. شما آنها را بعنوان پاکسازی از کارخانه

هر چه مستحکمتر باد پیوند کارگر — — — — — ران دیده

۵
اخراج کردید و نمایندگان که شما (یعنی مدیرعامل) برای ما انتخاب کردید -
بمورد قبول ما کارگران نیست."

(در اینجا لازم است که درباره "پاکسازی" جناب مدیرعامل توضیحی
دهیم. مدیرعامل ابتدا تعدادی ساواکی را اخراج کرده بود ولی در حدود یک
ماه ونیم پیش هشت نفر دیگر از کارگران را اخراج کرد که نمایندگان کار
-گران در میان آنها بودند.)

پس از آن یکی از کارگران اظهار داشت: "سال ۱۳۵۴ کارگران کار
-خانه دست به اعتصاب زدند. ولی در آن شرایط که دیکتاتوری و خفقان بر
همه جا حاکم بود قوای نظامی نتوانست به محوطه کارخانه وارد شود. پس چطور
است که حالا سپاه پاسداران که خود را حامی کارگران میدانند کارگران را
بدون جهت تهدید به سرکوب می نماید؟"

مدیرعامل که با اتحاد کارگران مواجه شده بود و مشاهده میکرد که چگونه
کارگران دست او را خوانده و حیلها را پیش را شناخته اند با لایحه در مقام
فشار کارگران گفت: "پس خودتان از قسمتهای مختلف کارخانه دو نفر نما
-ینده انتخاب کنید."

کارگران در جواب او گفتند: "نمایندگان ما را اخراج کردید و حالا
میگوئید که مجدداً نماینده انتخاب کنیم. چه نماینده ای انتخاب کنیم؟"
و قبل از آنکه مدیرعامل فرصت کند که به بقیه افاضات خود ادامه دهد محوطه
کارخانه را بعنوان اعتراض ترک کردند.

* * *

حکومت جمهوری اسلامی مانند هر حکومت دیگری که مدافع سرمایه های
امپریالیستی است میکوشد تا کارگران را به شدیدترین وجهی استثمار
نماید. ایادی این حکومت که در کارخانه های دولتی در نقش مدیرعامل ویا
هیئت مدیره ظاهر میشوند میکوشند تا کارگران را وادار نمایند که تا آخرین
رُمق خود کارکنند و در مقابل سعی دارند که کمترین حقوق و امتیازات به
کارگران تعلق گیرد. در مقابل اینهمه ظلم و اجحاف، هنگامیکه کارگران

-----ان با چریکهای فدائی خلق ایران

می بینند که حقوق آنان کفاف مخارج روزانه زن و فرزندانشان را نمیکند، هنگامیکه می بینند که سرمایه داران وابسته قیمت کالاها را روز بروز گرانتر کرده و زندگی را بر زحمتکشان سخت تر از گذشته میسازند و هنگامیکه در میابند آنچه که سرمایه داران به آن نام سود داده اند چیزی جز حاصل رنج کارکنان - گران نیست که عده ای مفتخور آنرا بچنگ میآورند، هنگامیکه می بینند حکومت جمهوری اسلامی که لاف میزند حا می مستضعفان است جای جای حکومت ننگین محمدرضا شاه می گذاشته و میکوشد تا هرگونه صدای حق طلبانه نه تنها کارگران بلکه صدای حق طلبانه تمام زحمتکشان را در گلو خفه سازد، آنگاه بیایم خیزند و میکوشند تا آنچه را که سالهای سال از آنها ربوده اند با زپس بگیرند، اما حکومت نیز که با قدرت عظیم کارگران مواجه می - شود میکوشد به ترتیب که شده مبارزات آنها را سرکوب نماید. حکومت جمهوری اسلامی همواره کوشیده است تا ابتدا با حقه و نیرنگ کارگران را بفریبند و پس از آنکه دیگر این حربه کارگر نیفتد از یکسوسعی میکنند تا شوراها را فاسد - مایشی بوجود آورده و عده ای مزدور را بعنوان نماینده کارگران در این شوراها بگنجانند و همچنین کوشش میکنند تا نمایندگانی را که خود کارگران در شرایطی آنها را بعنوان نماینده واقعی خود انتخاب نمودند خریدند و از آنها در جهت شکاف انداختن در صفوف کارگران بهره گیرند و هم زمان با این حیلها به سرکوب کارگران نیز می پردازد. نمایندگان واقعی کارگران را که در مقابل دشمنان طبقه خویش سر تعظیم فرود نمی آورند از کار اخراج و یا دستگیر و زندانی می سازد. کارگران آگاه را از کار بیکار کرده و تضيیقاتی را برای آنها فراهم میکنند و سپاه پاسداران را به سراغ کارگران میفرستد. پس از قیام بارها و بارها کارگران به همین ترتیب سرکوب شده اند و شوراها را قلابی کارگری اکنون در بسیاری از کارخانجات بوجود آمده اند و ما هیئت خود را نیز آشکار کرده اند. برای نمونه می توان به کتاب "نگاهی به: مبارزات طبقه کارگر (۲۳ بهمن ۵۷ - ۱۱ اردیبهشت ۵۹)" از انتشارات چریکهای فدائی خلق ایران مرجعه کرد و با گوشه ای از مبارزات

مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش

کارگران میهنمان پس از قیام و حرکات حکومت ضدکارگری در قبال این مبارزات آشنا شد.

کارگران میهنمان می باید که در برابر سرکوبهای حکومت و حیلله های ننگینش صغوف خود را هر چه مستحکمتر ساخته و از طریق ارتباط با روشن فکران انقلابی آگاهی خود را افزایش داده و مبارزات خود را ارتقاء بخشند. اما کارگران باید هوشیار باشند که تنها و تنها آن روشنفکرانی را انقلابی بدانند که مدافع منافع واقعی کارگرانند. همانطور که کسانی پیدا میشوند که بظاهر کارگرند اما باطناً "مدافع کارفرما" هستند و بعنوان نماینده کارگران در واقع نماینده سرمایه داران وابسته اند و شوراهای فرمایشی رامی - چرخانند، روشنفکرانی نیز هستند که بظاهر خود را مدافع منافع کارگران می خوانند اما در واقع آب به آسیاب حکومت می ریزند. این دسته از روشن فکران - از کارگران می خواهند که مطیع حکومت بوده و در مقابل تمام می اجافاتی که به آنها میشود م نزنند، آنها همیشه از کارگران میخواهند که دست از مبارزه بکشند و بیشتر از قبل کارکنند، این دسته از روشنفکران نه تنها انقلابی نیستند بلکه خائن به منافع کارگرانند و اگر چه خود بدروغ مدعی باشند که ما رکیست هستند اما نوکری بیش نیستند. روشنفکران انقلابی همواره میکوشند تا کارگران را به منافع طبقاتیشان آشنا ساخته، دشمنان طبقه کارگر و دوستان او را معرفی کرده و راه صحیح مبارزه با دشمن را به کارگران نشان دهند و بدین ترتیب با لالچ کردن آگاهی کارگران مبارزات آنها را ارتقاء دهند. روشنفکران انقلابی پرگویان بی عمل نیستند بلکه خود فعالانه در مبارزه شرکت کرده و در پیشاپیش و دوش به دوش کارگران مبارزه را تا پیروزی نهائی ادامه میدهند. زیرا بخوبی میدانند تا زمانی که امپریالیسم بر میهن ما چنگ انداخته است، فقر، بی سوادگی، خفقان، دزدی فحشاء، دروغ و..... وجود خواهد داشت و تنها انقلابی که می تواند امپریالیسم را از میهن ما بیرون کند انقلابی است که طبقه کارگر ما آن را رهبری کرده و بیاری دیگر اقشار و طبقات خلق آن را به پیروزی برسانند.

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران

در اینجا لازم است یک موضوع را به صراحت برای کارگران بیان نمود: کارگران ما با بدیدانند اگر چه تمامی اشکال مبارزاتی راکه بکار میبرند و تشکلهائی راکه ایجاد کرده اند، مفید و لازم هستند، ولی تنها زمانی این اشکال مبارزاتی میتوانند پیگیرانه ادامه یابند و تشکلهای حفظ شوند که مبارزه ضد امپریالیستی با وسعت و شدت هر چه بیشتری با عالیترین شکل (مبارزه مسلحانه) در جامعه ادامه یابد. موفقیت و ادامه کاری تشکلهای و شکلهای رایج مبارزات کارگران موثر - قعی تضمین میشود که کارگران مبارزات خویش را با مبارزات سایر طبقات و با مبارزات ملی خلقهای ایران، بویژه خلق دلیبرکرد، پیوند داده و در جهت ایجاد هسته های مسلح کارگری قدم بردارند. این مبارزات - ات تا آن حد باید گسترش یابد تا "سال امنیت" برای سرمایه داران راکه بنی صدر، این فرمانده کل قوای ضد خلقی، وعده آزاد داده است به سال جهنم برای آنان و امنیت برای خلق تبدیل کنند.

(نقل از کتاب نگاهی به مبارزات طبقه کارگر...)

**زنده باد مبارزه مسلحانه که
تنها راه رسیدن به آزادی است!**

وزارت داد و ستد جمهوری دموکراتیک خلق بیهیبری طبقه کارگر

www.iran-archive.com

تکثیر از جنبش دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا
هوادر (چریکهای فدائی خلق ایران)